

نقش سازمان ملل متحد در تدوین حقوق دیپلماتیک

احمد سهیل یوسفی^۱، حسین زارع شعار^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، گروه علمی حقوق، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۱۹۳۹۵-۳۶۹۷، تهران، ایران.
^۲ استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

حقوق دیپلماتیک را امروزه به مثابه شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل می‌دانند که تأثیرات عمیقی بر روابط میان کشورها نهاده است. چیزی که در حقوق دیپلماتیک اهمیت عمده دارد، اعمال و نظامات روابط خارجی دولت‌ها است. اساساً اصول و قواعدی که در نظام روابط سیاسی خارجی فی‌مابین دولت‌ها بر آن استوار است را حقوق دیپلماتیک می‌نامند. جدا از نهاد برتر دولت، ذیل آن، نمایندگان و نهادهای رسمی دولت در ساحت دیپلماتیک می‌باشند که مطابق حقوق بین‌الملل، دارای مصونیت‌های قانونی متأثر از حقوق دیپلماتیک هستند. مصونیت دیپلماتیک شاخه‌ای از همان مصونیت قانونی است که بنا به ملاحظات قانونی به شخص دیپلماتیک اعطا می‌شود. در این میان، با رشد و گسترش دیپلماسی و تقویت و اهمیت آن در روابط بین‌الملل، توجه به حقوق و مصونیت‌های دیپلماتیک نیز افزایش یافته است. از این‌رو، در تحقیق حاضر کوشش شده است تا ضمن تعریف حقوق دیپلماتیک، عناصر و مولفه‌های اصلی آن و اشاره به برخی از مزیت‌های حقوق دیپلماتیک، به نقش سازمان ملل و سازمان‌ها و کمیسیون‌های مربوطه از جمله کمیسیون ۱۹۶۱ وین در تدوین حقوق دیپلماتیک در سده بیستم میلادی اشاره می‌کنیم. روش‌شناسی تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری کتابخانه‌ای و ابزار آن، فیش‌برداری است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تعاملات و درگیری‌ها و افزایش مشکلات فی‌مابین کشورها در سطح بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل را مجبور به تدوین یک سری حقوق دیپلماتیک نموده که از طریق آن نمایندگان کشورهای متخاصم و درگیر، بتوانند تحت لوای آن به روابط دیپلماتیک و توسعه دیپلماسی در دنیا ادامه دهند.

واژه‌های کلیدی: حقوق دیپلماتیک، مصونیت دیپلماتیک، دیپلماسی، کمیسیون وین، سازمان ملل.

۱- مقدمه

در حقوق بین‌الملل عام، هرگاه از منابع موجود در آن برای استناد و بهره‌مندی صحبت به میان می‌آید، همواره مراد، تاکید بر نقش قواعد عرفی شاخص بوده است. مسئله‌ای که حائز اهمیت است چند دسته بودن قواعد عرفی است. زیرا در سالیان متمادی که بشر هنوز تشکیل جامعه جهانی نداده بود، این امکان وجود داشت که قواعد عرفی آن منطقه در جای دیگر صدق نکنند. از سوی دیگر، حاکمیت کشورها که با تصویب قوانین خاصی به این امور پرداخته‌اند، نیز امری انکارناپذیر در تثبیت یا تغییر این اصول و قواعد عرفی است. در حوزه دیپلماتیک، حقوق این حوزه نیز از وضعیت حقوق بین‌الملل جدایی‌ناپذیر است. زیرا اگر حقوق بین‌الملل که قواعد ایجاد رابطه و حضور در صحنه‌های بین‌المللی را برای دولت‌ها فراهم می‌کند، را به مثابه مرجع در نظر بگیریم، در آن صورت خواهیم فهمید که روابط دیپلماتیک که سرچشمه و خاستگاه آن ایجاد قواعد بین‌المللی بوده است، به هیچ عنوان از قاعده عرفی بودن حقوق خارج نیست. اگر از دوران قدیم عبور کنیم و وارد سده بیستم میلادی شویم، هرگاه از قوانین بین‌المللی صحبت می‌کنیم، علاوه بر حقوق بین‌الملل عرفی، به سرعت می‌توانیم به مصوبات نهادهای بین‌الملل از قبیل عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های موجود در عرصه حقوق بین‌الملل استناد کنیم. اما آیا این قوانین موضوعی و نوشته‌شده از قواعد عرفی جدا هستند؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که زمانی کشورها با استناد و پیگیری همین قواعد عرفی در جامعه بین‌الملل فعالیت می‌کردند، اما با گذشت زمان و تغییر شرایط سیاسی حاکم بر کشورها و جهان، دیگر آن قواعد عرفی پاسخ‌گوی نیازهای رو به افزایش، دولت‌ها نبودند و این گونه بود که با تلاش جمعی، نگارش و تدوین قواعدی با محوریت عصر کنونی و شرایط و مختصات آن، آغاز گردید. قوانین حقوق دیپلماتیک نیز از این نوع رویکرد جدا نیست و دولت‌ها برای گسترش روابط و هرچه بیشتر کاربردی شدن قواعد نسبت به وضع قوانین جدید و نوشتن آن‌ها اقدام کردند. در این میان، نهادهای بین‌المللی چون سازمان ملل و کمیسیون‌های زیرمجموعه آن نقش مهمی در تدوین حقوق دیپلماتیک داشته‌اند. به همین دلیل در ادامه ضمن بیان برخی از مبانی نظری تحقیق، به تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل در تدوین حقوق دیپلماتیک و مصونیت دیپلماتیک در جهت حفظ ارزش و کارکرد دیپلماسی و گفتگو میان کشورها، اشاره می‌کنیم.

۲. مبانی نظری تحقیق

• حقوق دیپلماتیک

حقوق دیپلماتیک همانا شاخه‌ای از حقوق عمومی است که درباره اعمال و نظامات روابط خارجی دولت و نمایندگی او در خارج بحث می‌کند. یعنی هم از امور بین‌الملل و هم از نحوه اجرای آن. (صدر، ۱۳۹۰: ۲) در واقع می‌توان گفت که موضوع حقوق دیپلماتیک، روابط سیاسی خارجی یا همان روابط سیاسی میان دولت‌هاست. حقوق دیپلماتیک، علم بررسی قواعد و مقررات حاکم بر انواع ماموریت‌هاست و هر چه بیشتر جامعه بین‌الملل متحول‌تر گردد، ماموریت‌ها نیز تنوع و پیچیدگی ساختاری بیشتری خواهند یافت. (معین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۲) بنابراین حقوق دیپلماتیک رابطه دیپلماتیک میان کشورها و دولت‌ها را پوشش می‌دهد و رابطه دوستانه میان آن‌ها را تقویت می‌کند. بنابراین حقوق دیپلماتیک حقوق مربوط به سفارت‌خانه‌ها و اعضای آن است.

اما در این میان، موضوعی که توسط محققان در موارد قانونی همیشه مورد بحث و توجه آنها بوده است، تدوین حقوق دیپلماتیک در شرایط پیش از تاریخ به ویژه در تمدن‌های یونان باستان و رومیان و ... است. این قوانین همگی نشأت گرفته از اعتقادات مذهبی بوده است تا یک تعهد قانونی به نام عهدنامه. امتیازات ویژه و مصونیت‌هایی که نمایندگان در دوران باستان از آن برخوردار بودند، همگی پیامد پیروی از قانون نبوده است، قانونی که آن را امروزه حقوق بین‌الملل می‌نامیم. نفوذ آشکار باورهای مذهبی در رفتارهای مصونیت دیپلماتیک تقریباً در تمامی تمدن‌های گذشته شناخته شده است. اما واقعیتی تاریخی وجود دارد که عمل صلح‌آمیز دیپلماتیک تا حدی بیشتر بر تقدس مذهب متکی بوده است تا شخصیت سفیران را حفظ و از آنها محافظت کند. تمدن‌های مختلفی که در گذشته وجود داشته‌اند، شروع زود هنگام رفتارهای دیپلماتیک و مصونیت‌های آن را در جهان، با درجات مختلف، تایید می‌کردند. با نگاهی گذرا به تاریخ می‌توان فهمید که شواهد تاریخی به دست آمده در

مورد اصول اولیه فعالیت‌های دیپلماتیک و تقدس شخصیت دیپلماتیک در تمدن‌های باستانی وجود داشته‌اند. برای نمونه می‌توان به تمدن‌هایی نظیر یونانیان، رومی‌ها، اسلام، چینی‌ها، آفریقایی‌ها و سرخ‌پوستان اشاره کرد. (Barker, 2006: 29) علاوه بر این، مشاهده شده است که ساکنان جوامع قرون وسطایی روش‌هایی را برای اعلام جنگ، حل اختلافات و مذاکره در مورد معاملات تجاری در بین خود پیش برده و تکامل داده‌اند. این فعالیت‌های بسیار مهم، ناگزیر به خدمات رسولانی میانجی‌گر نیاز داشت که اگر می‌خواستند به طور موثر به وظایف خود عمل کنند، باید آزادی فعالیت و امنیت شخصی آنها تضمین می‌شد. (Numelin, 2001: 195) در این میان، اقوام و ملل مختلف، هر کدام نسبت به مذهبی که بر آنها غالب بوده است، شالوده رفتار با دیگر ملل را تشکیل می‌داده است. همان طور که اشاره شد رفتار با فرستادگان در عهد باستان نیز از همین امر پیروی می‌کرده است و دین و مذهب به شخص دیپلمات، نه تنها شخصیتی به عنوان نماینده یک قوم اعطا می‌کرد، بلکه شخصیتی مقدس و روحانی که می‌توانست از درست‌ترین و شایسته‌ترین مردم باشد را به آن اعطا می‌کرد و این رویکرد و رویه در تمدن‌های باستانی قابل مشاهده است.

بنابراین به لحاظ تاریخی بخش مهمی از فعالیت‌های دیپلماتیک را می‌توان در تمدن‌هایی چون ایران و یونان باستان و رومیان دانست. برای نمونه رومیان برای مصونیت سفیر خارجی احترام ویژه‌ای قائل بودند و این احترام در طول ماموریت دیپلماتیک او، حتی به اموال آن شخص هم تسری پیدا می‌کرد. البته هیچ مدرکی دال بر این که این امتیازات به صورت مکاتبات رسمی باشد، وجود ندارد. حکومت روم تصمیمات جدی در قبال نقض رفتار مهمان‌نوازی برای فرستاده خارجی در قبال هر یک از شهروندان که این عمل را مرتکب می‌شدند، می‌گرفت. و این نوعی دیگر از فعالیت‌های دیپلماتیک رومی‌های باستان است که استخراج شده است و این را نشان می‌دهد که اگر شخصی عامل تحریک و نقض تقدس سفیر خارجی باشد، برای اعمال مجازات دستگیر می‌شود.

• منابع حقوق دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل: کمیسیون وین

اساساً تشکیل دولت‌ها و نیز برقراری سفارت‌های دائم، پیامد مستقیم بعضی از قواعد عرفی بوده است که ناشی از ضرورت یا ادب و نزاکت بوده است. اما به دلیل یکسان نبودن این قواعد در کشورهای مختلف، این قواعد عرفی نتوانستند روابط دولت‌ها و سفیران را بر اصول حقوقی یکنواخت تنظیم کند. (ذوالعین، ۱۳۹۴: ۵۸) روابط سیاسی و اقتصادی منوط به قدرت نظامی-سیاسی یا درجه خوب‌شوندی شده بود و عملاً آشفنگی و منازعاتی بین دولت‌ها ایجاد کرده بود. در خلال همین دوران‌ها بود که فکر تدوین قواعد مربوط به دیپلمات‌ها به ذهن حقوقدان‌ها رسید. (ذوالعین، ۱۳۹۴: ۵۸) در اینجا مقصود از تدوین حقوق دیپلماتیک، تدوین قواعد معتبر و فراگیر مربوط به نمایندگان دیپلماتیک در روابط بین‌المللی است که به صورت مجموعه‌ای شامل ماده‌ها و تبصره‌ها که بر اساس عرف و قواعد حقوقی تنظیم می‌شود. (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۴۶)

اما چرا تدوین چنین قواعد حقوقی، می‌توانست به مشکلات دیپلمات‌ها در دوران معاصر پایان دهد؟ از فواید تدوین چنین قواعدی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قواعد تدوین شده روشن و صریح است، بهتر به مسائل روز پاسخ می‌دهد، موضوعات مورد تردید را سریعاً پاسخ می‌دهد، میان چند دستگی قواعد، هماهنگی ایجاد می‌کند و در نهایت خلأهای حقوقی پر شده و اختلاف دولت‌ها و سفیران و دولت‌های پذیرنده بر سر قواعد کاهش می‌یابد. (ذوالعین، ۱۳۹۴: ۶۰) برای اشاره دقیق به عمل یکسان‌سازی قواعد، می‌توانیم عمده‌تاً به اوایل قرن ۱۹ میلادی رجوع کنیم. در جریان کنگره وین در سال ۱۸۱۵ کوشش‌هایی برای تدوین قواعدی در زمینه حقوق دیپلماتیک آغاز شد. (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۶) و فرمانروایان کشورهای نیرومند و بزرگ اروپایی و نمایندگان آنها درصد برآمدند تا جایی که می‌توانستند درباره روابط دیپلماتیک قواعدی وضع کنند تا برتری دولت‌های خویش را حفظ کنند. اما دولت‌های شرکت‌کننده در کنگره، موفق نشدند قواعدی حاکم بر روابط دیپلماتیک را تدوین کنند و فقط به طبقه‌بندی بین نمایندگان دیپلماتیک رضایت دادند. اما در هر صورت این توافق بسیار حائز اهمیت بود. زیرا بعدها زیربنای حقوق دیپلماتیک به شمار آمد. پس از کنفرانس انتر-آمریکن در ۱۹۲۸ در هاوانا که مربوط به روابط دیپلماتیک بین کشورهای آمریکای لاتین و شمالی بود، جامعه ملل در سال ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی تصمیم گرفت تا کمیسیون حقوق بین‌الملل را تاسیس کند. (ذوالعین، ۱۳۹۴: ۶۲)

نکته‌ای که در این برهه اهمیت دارد، روابط کشورها در خلال جنگ سرد است. در این زمان عملاً مسئله روابط دیپلماتیک نقض شده بود و اتفاقات ناگواری رخ داد. این اتفاقات باعث شد تا کار کمیسیون در سال ۱۹۵۴ تازه شروع شود و پس از ۴ سال در سال ۱۹۵۸ طرح نهایی کنوانسیون با نام روابط و مصونیت‌های دیپلماتیک به اتمام رسید که پس از تشکیل کنفرانسی در سال ۱۹۶۱ در وین تصویب شد.

کنفرانس وین در تاریخ دوم مارس ۱۹۶۱ آغاز شد. در طرح اولیه که مربوط به روابط و مصونیت‌های دیپلماتیک بود، برای بسیاری از کشورها قواعد عرفی موجود در طرح اولیه مورد پذیرش نبود. زیرا این قواعد توسط دولت‌های اروپایی و آمریکایی شکل گرفته بودند و در نتیجه خاستگاه این قواعد عرفی، شرایط و موقعیت‌هایی بود که این کشورها با آن درگیر بوده‌اند. در نهایت شرایط عرفی این کشورها پس از پایان جنگ جهانی دوم به کلی دگرگون شد و در نتیجه با اضافه شدن کشورهای دیگر، این قواعد عرفی، مانند سابق، دیگر قابل قبول نبود. از سوی دیگر قواعدی که ناشی از اخلاق بین‌المللی بودند و عرف در شکل‌گیری آنها مؤثر بوده است، باید در یک کنوانسیون گنجانده می‌شدند تا به صورت حقوقی لازم الاجرا می‌گردیدند. بنابراین حقوق دیپلماتیک در مجموعه‌ای به نام کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک شکل گرفت.

این کنوانسیون با تلاش بی‌وقفه سازمان ملل متحد به منظور قاعده‌مند و منسجم کردن روابط دیپلماتیک میان کشورها در سال ۱۹۶۱ در شهر وین، به تصویب دولت‌ها رسید. بنابراین علی‌رغم اینکه برقراری روابط دیپلماتیک ریشه‌ای کاملاً تاریخی دارد، اما شکل‌گیری حقوق دیپلماتیک به صورت امروز پس از جنگ جهانی دوم بود. این حقوق دیپلماتیک روابط میان دولت‌ها را سامان‌دهی و نظام‌مند کرد. (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۷) در خلال کنفرانس وین بحث دیگری مطرح شد که در مورد مأموریت‌های خاص بود که به نتیجه نرسید و در سال ۱۹۶۹ به صورت کنوانسیون جداگانه تدوین شد. همانطور که مطرح کردیم علت آنکه این کنوانسیون به تصویب رسید، این بود که تمامی مسائلی که از قبل مطرح بود، نظیر تحولات بین‌المللی و اصلاح کشورهای جدید و پیشرفت و مسائل فنی، همگی در تدوین آن در نظر گرفته شده بودند. (ذوالعین، ۱۳۹۴: ۷۵)

علاوه بر این، منابع مدون حقوق دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل معاصر نشأت گرفته در قوانین عرضی بودند که سالیان متممادی در انحصار دولت‌های اروپایی و بعضاً آمریکایی بوده است. در واقع قواعدی که در انحصار باشد، طبیعتاً سازگاری با همه شرایط را ندارد و پیدایش کشورهای جدید مهر تأییدی بر این امر است. حال در حقوق بین‌الملل معاصر، ماه عسل ۱۵۰ ساله تلاش در زمینه تدوین حقوق بین‌الملل در باب حقوق دیپلماتیک، چهار کنوانسیون شده است که منابعی برای استناد، تفسیر و مراجعه دولت‌ها در زمینه حقوق دیپلماتیک برای دولت‌ها است. این گسترش و تکامل، در واقع نتیجه تلاش‌های سازمان ملل متحد و کوشش جمعی کشورها بوده است.

• مفهوم دیپلماسی در حقوق بین‌الملل

اگر چه در عصر حاضر دولت‌ها معمولاً ترجیح می‌دهند که دیپلماسی را به جای دیپلمات‌ها، توسط سیاستمداران اعمال نمایند، اما هنوز نقش دیپلماتیک، ضروری و حیاتی است. پیشرفت‌های محیرالعقولی که در اطلاع‌رسانی‌ها و رفت و آمدها به وجود آمده، باعث گردیده است که مسافرت‌های رؤسای کشورها و وزرای امور خارجه به کشورهای دیگر افزایش یابد. از این‌رو اکثر مذاکرات دیپلماتیک توسط آنها به عمل می‌آید و در اثر چنین روشی زمان تصمیم‌گیری به صورت قابل توجهی به حداقل رسیده و از طرفی بین سران و سیاست‌گزاران عالی‌زمینه‌های ایجاد روابط خصوصی و غیررسمی فراهم گردیده است. با این حال روش مدیریت دیپلماسی توسط سیاستمداران هرچند افزایش یافته است، باز نقش دیپلمات‌های واقعی در فراهم ساختن روابط دیپلماتیک و یا عادی‌سازی روابط سیاسی مابین دولت‌ها، تأمین تماس‌ها و ملاقات‌ها و تعدیل کنش‌ها و اختلافات به هیچ وجه نمی‌تواند انکار شود. تبلیغات و افکار عمومی دو عامل مؤثر در امر دیپلماسی به شمار می‌روند.

امروزه هدف غایی اکثر کنفرانس‌ها و مذاکرات بین‌المللی غالباً جنبه تبلیغاتی داشته و بیشتر از تعقیب زمینه‌های توافق و تفاهم، به دنبال تأثیرگذاری در افکار عمومی بین‌المللی می‌باشند. در این کنفرانس‌ها و کنگره‌های چندجانبه که اغلب تحت تأثیر افکار عمومی بین‌المللی تشکیل می‌گردند، طرفین قبل از هر چیزی مبادرت به تبلیغ نظریات خود نموده، شدیداً و بی‌رحمانه همدیگر را متهم می‌کنند و از این‌رو مذاکرات در عرض مدت کمی تبدیل به یک جنگ تبلیغاتی می‌گردد (شفیعی و

نژاد زندیه، ۱۳۸۹: ۱۱۷-۱۱۶). در حال حاضر رابطه تنگاتنگی بین دیپلماسی و مطبوعات و سایر رسانه‌های جمعی به وجود آمده است. امروزه اخبار رسانه‌ها نسبت به اطلاعات تحصیلی نمایندگان سیاسی مقیم در کشورها دارای تنوع بیشتری است و می‌تواند منشأ اثر زیادی هم باشد. تردیدی نیست که اطلاعات ارسالی مخبرین رسانه‌ها که در شهرها و پایتخت‌ها اقامه دارند، به لحاظ چند بعدی بودن آنها، در تکوین و جهت‌گیری سیاست دولت‌ها بیشتر از گزارش ارسالی دیپلمات‌ها می‌توانند تأثیرگذار باشند (مجتهدی، ۱۳۷۶: ۱۱۷).

روش «دیپلماسی باز» یا «دیپلماسی علنی» امکانات متنوع و نسبتاً گسترده‌ای را به رسانه‌های جمعی فراهم نموده است که قبلاً چنین نبوده است. یعنی خبرنگاران می‌توانند در جلسات مربوط به مذاکرات کنفرانس‌های بین‌المللی حاضر شده، برداشت‌ها و تفسیرهای خود را از آن‌ها انجام دهند. پس در تکوین و شکل‌گیری افکار عمومی تأثیر رسانه‌ها در عصر حاضر غیرقابل انکار و امر محرز است (نش، ۱۳۹۱: ۳۹).

رسانه‌ها قادر هستند توجه افکار عمومی را به آثار مختلف دیپلماتیک معطوف نمایند. بنابراین وجود این ارتباط مستقیم مابین دیپلماسی و افکار عمومی را به نحو چشمگیری همین رسانه‌های گروهی تأمین می‌نمایند و از این‌روست که غالباً مشاهده می‌شود که دیپلمات‌ها، رسانه‌های گروهی مختلفی را تحت کنترل خود درآورده، از آن طریق موفق به متأثر ساختن افکار عمومی می‌شوند. در عین حال گزارش‌های ارسالی دیپلمات‌ها به لحاظ صرفاً تخصصی بودن اهمیت حرفه‌ای خود را از دست نداده‌اند. در واقع در عصر دیپلماسی نوین، عناصر اقتصاد و تجارت نیز اهمیت و اعتبار زیادی را در روابط بین‌المللی کسب کرده‌اند. به عبارت دیگر سیاست خارجی تنها با تأمین صلح و امنیت بین‌المللی کارش تمام نمی‌شود، زیرا ملازمه شدیدی با تأمین رفاه دارند و ظاهراً نیز وجود چنین ارتباطی بین آنها مشهود است. بنابراین صلح جهانی مستلزم تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و تجاری می‌باشد که فراهم نمودن رفاه عمومی از طریق همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی نیز یکی از اهداف سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهد. البته برخی عوامل مؤثر موجود در جهان، شکاف بین کشورهای دارا و ندار را بیشتر نموده است که خود از خطرات جدی تهدیدکننده صلح جهانی به شمار می‌رود. پس دولت‌ها در دیپلماسی‌های خود به مسائل اقتصادی و اجتماعی و حتی چاره‌اندیشی در آنها اولویت خاصی قائلند. نتیجه تحولات مزبور نیز این شده که دیپلمات‌ها امروزی علاوه بر انجام وظایف متعدد خود، مجبور به بررسی مسائل رو به تزاید اقتصادی و اجتماعی اطراف خود نیز است. جالب توجه اینکه تا آغاز جنگ جهانی دوم، دیپلمات‌ها غالباً بررسی مسائل تجاری و اقتصادی را جزو وظایف خود نمی‌انگاشتند، ولی امروزه یکی از وظایف آنها- که از اولویت اجرایی نیز برخوردار می‌باشد- تهیه گزارش‌های اقتصادی و کمک به روند مذاکرات مربوط به سیاست‌های بازرگانی است. (اشتریان و جعفری هفتخوانی، ۱۳۸۶: ۱۲۵)

تحولی که در دیپلماسی نوین خود را نشان داده است، چندجانبه شدن آن است. در دوران قبل از جنگ جهانی اول که روش دیپلماسی چندجانبه و غیردائم به وجود آمده بود، بعد از جنگ، جای خود را با کنفرانس‌های دیپلماتیک دائم عوض کرد. جامعه ملل پس از تأسیس خود که بعد از جنگ جهانی اول اتفاق افتاد- روش جدیدی در بررسی و مباحثات مربوط به مسائل سیاسی ابداع نمود. این روش دیپلماسی برپایی کنفرانس‌های دائمی بود که از سوی اندیشمندان غربی، «دیپلماسی پارلمانی» (دیپلماسی پارلمانتاری) نام‌گذاری شده بود. دیپلماسی پارلمانی چهار ویژگی عمده داشت: نخست اختصاص مسئولیت بیشتر و تشکیلات نسبتاً منظم و دائمی، دوم انتقال و انعکاس مشروح مذاکرات و مباحثات به افکار عمومی توسط رسانه‌های گروهی، سوم تعیین روش‌های از قبل آماده شده به منظور تسهیل مذاکرات و نهایتاً رأی‌گیری با اکثریت می‌باشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۲۱).

۳. یافته‌های تحقیق

• اصول حقوق دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل

هرگاه در مورد اولین شرط برقراری دیپلماتیک صحبت می‌کنیم، باید به ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین اشاره کنیم که می‌گوید اگر طرفین آن روابط کشورها باشند و به بیان دیگر این نوع روابط منحصر به کشورها است. ضیایی بیگدلی به نقل از پروفیسور

کوکدین می‌نویسد: «روابط میان سازمان‌های بین‌الدول و کشورها و یا سازمان‌های بین‌الدول با یکدیگر را نمی‌توان به هیچ وجه روابط دیپلماتیک دانست. بلکه روابط آنها صرف محدود به اعزام متقابل نمایندگان است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۴۷)

- شناسایی کشور و حکومت: از شناسایی کشور، دولت یا حکومت توسط طرفین مایل به برقراری روابط دیپلماتیک را به عنوان شرط دوم یاد می‌کنند و همانطور که لازم است اما موجب برقراری روابط دیپلماتیک به تنهایی نمی‌شود. این موضوع در رویه بین‌الملل نیز امری پذیرفته شده است. برای نمونه دولت جمهوری فدرال آلمان، از برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهایی که جمهوری دموکراتیک آلمان را تأیید می‌کردند، خودداری می‌ورزید. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۴۷)

- رضایت متقابل کشورها: اگر بخواهیم ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین را بار دیگر مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان مهم‌ترین شرط برقراری روابط دیپلماتیک را استخراج کنیم. رضایت کشورها برای برقراری روابط دیپلماتیک میان کشورها و هیئت‌های اعزامی دائمی مهم است و به صورت رسمی مانند اعلامیه یا معاهده ابراز می‌شود. در این میان، موضوع شناسایی دولت‌ها پس از رضایت طرفین برای تاسیس نمایندگی نیز شرایط خاص خود را دارد. دولتی که به شناسایی مجدد دولتی می‌پردازد که پیش‌تر آن را به عنوان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل شناسایی کرده است. و این گونه شناسایی چه قبل از تاسیس نمایندگی دائم یا موقت چه هزاران در حقوق دیپلماتیک به طور خاص و در حقوق بین‌الملل به طور عام مشکلات فراوانی پدید آورده است. شناسایی دولت‌ها، استقلال کشورها و حاکمیت آن‌ها بقای استحکام نمایندگی دیپلماتیک را موجب نمی‌شوند. و گرمی و حسن روابط میان دول ذیربط است که بقای این روابط را رقم می‌زند (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۲۸) همانطور که اشاره شد، برخی از دولت‌ها پس از شناسایی، ایجاد رابطه را حق طبیعی خود می‌دانند؛ اما بین حق و اجرای حق تفاوت بسیار است و پس از شناسایی باید توافق یا رضایت متقابل نیز باشد. این امر طی تشریفات خاص انجام می‌شود و ممکن است گاهی عدم مخالفت حتمی کافی باشد. (ذوالعین، ۱۳۹۴: ۱۱۲)

- اصل آزادی ارتباطات برای منظوره‌های رسمی: یکی دیگر از اصولی که می‌توان آن را اساس وجودی حقوق دیپلماتیک معاصر و مزایا و مصونیت‌های حقوق داخلی به شمار می‌آید به اصل بالا اشاره کرد. ماده ۲۷ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین و کنوانسیون ۱۹۶۳ و کنوانسیون ۱۹۶۹ مربوط به حقوق دیپلماتیک بر این اصل تصریح دارند. این اصل را در ۲ مورد می‌توانیم مطرح کنیم:

الف: دولت فرستنده حق دارد هرگونه ابزار مناسب برای برقراری ارتباط را استفاده کند.

ب: دولت میزبان متعهد می‌شود تا تسهیلات و مصونیت‌ها و مزایای که دولت فرستنده استفاده می‌کند را فراهم کند. (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۳۵)

در بررسی اصل بالا می‌توان نکات و نتایجی را مطرح کرد. برای نمونه دولت‌ها باید در ارتباط با یکدیگر از اصل حسن نیت تبعیت کنند و تشخیص این اصل بر پایه رفتار متقابل است. اما اگر دولتی که آزاد به استفاده از وسایل ارتباطی است، از حسن نیت طرف مقابل سوء استفاده کند، چه اتفاقی می‌افتد؟ به طور مثال دولتی که از پیک دیپلماتیک استفاده می‌کند یا از رمز و رادیو برای ارسال اطلاعات استفاده می‌کند ممکن است برای مصارف منحرف، این راه را استفاده کند. اما ممکن است اشاره شده باشد که دولت میزبان باید مصونیت‌های این استفاده را تامین کند.

- اصل احترام به مقررات حقوق بین‌الملل و قوانین دولت میزبان: اگر بخواهیم به سوال قسمت قبل جواب واضح‌تری بدهیم می‌توانیم به مواد (۱) ۴۷ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، مواد (۱) ۵۵ کنوانسیون ۱۹۶۳، و مواد (۱) ۴۷ کنوانسیون ۱۹۶۹ و (۱) ۷۷ کنوانسیون ۱۹۷۵ اشاره کنیم. این اصل بر منافع دولت فرستنده از یک سو و امنیت و حفاظت دولت میزبان از سوی دیگر توازن برقرار می‌کند. یکی از قواعدی که این اصل بر آن اشاره دارد لزوم احترام به قواعد حقوق بین‌الملل است که همانطور که گفتیم حسن نیت و اصل عدم سوء استفاده از حق در این میان هستند. مورد دیگر برای بررسی لزوم رعایت قوانین داخلی دولت میزبان است. قوانین عمومی نظیر بهداشت عمومی، عدم استفاده از اماکن ماموریت یا محل سکونت برای انجام اعمال مغایر با وظایف ماموریت مشاهده می‌شود که توازن در حوزه عمل دیپلماتیک نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۸۵) وجودی اصولی مانند حسن نیت و عدم سوءاستفاده از حق و پایبندی دولت مقرر این نوع توازن را ایجاد می‌کند. بدیهی است که توازن به وجود آمده باعث حفظ امنیت و منافع دولت مقرر می‌شود.

- اصل عدم تبعیض و رفتار متقابل: ماده ۴۷ کنوانسیون وین ۱۹۶۱، ماده ۷۲ کنوانسیون ۱۹۶۳، ماده ۴۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ ماموریت‌های ویژه، و ماده ۸۳ کنوانسیون ۱۹۷۵ درباره نمایندگی دولت‌ها نزد سازمان‌های بین‌المللی، نظیر سازمان ملل متحد بر این اصل تصریح دارند. اصلی که برابری حاکمیت دولت‌ها است و اجرای آن هماهنگی را در موقعیت عمل دیپلماسی شکل می‌دهد. اگر بخواهیم نکاتی را در مورد قسمت اول اصل (عدم تبعیض) بگویم، می‌توانیم به محدودیت‌های ایجاد شده در قلمرو اجرایی اشاره کنیم. برای نمونه بر اساس رفتار متقابل، دولت الف هم مزایا و مصونیت‌های مأموریت دولت ب را کاهش می‌دهد. دولت ب نیز می‌تواند همان حجم را برای مأموریت دولت الف در نظر بگیرد. اما این رفتارها نباید باعث شود که این میزان کاهش با هدف و مقصود کنوانسیون‌ها مغایرت داشته باشد. (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۸۹)

یکی دیگر از اصولی که می‌توان بین حقوق بین‌الملل و اشخاص برای حفظ امنیت منافع طرفین توازن ایجاد کند، رفتار متقابل به دور از تبعیض است. بدیهی است که طرفین هر رابطه حقوقی با احترام گذاشتن به قوانین دولت مقرر بین حقوقی که برایشان ایجاد می‌شود و تکلیفی که در مقابل این حقوق دارند، تمییز قائل شوند.

- اصل لزوم ارتباط با وزارت خارجه برای اهداف رسمی: در کنوانسیون ۱۹۶۱، ماده ۴۱ بند ۲ مقرر می‌دارد: تمامی وظایف رسمی که دولت فرستنده در روابط خود با دولت پذیرنده به عهده مأموریت گذاشته است، باید از طریق وزارت خارجه کشور پذیرنده انجام گیرد.

- اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت میزبان: مطابق ماده (۱)، ۴۴ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین و ماده (۱) ۵۵ کنوانسیون ۱۹۶۳ کلیه دارندگان مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک نباید در امور داخلی دولت پذیرنده دخالت کنند. این اصل در حقوق بین‌الملل معاصر نیز امری پذیرفته شده است و بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد نیز بر این موضوع تأکید دارد. اگر وظیفه یک مأمور دیپلماتیک نمایندگی دولت فرستنده، گردآوری اطلاعات از دولت پذیرنده، و ارسال این گزارشات به دولت متبوع خود برای حفظ منافع دولت باشد، باید بدون دخالت در امور داخلی دولت دیگر انجام گیرد.

• دیدگاه‌های سنتی و جدید در زمینه حقوق دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل عمومی، دیپلمات‌ها شخصاً و نیز محل سکونت و کار آنها، از تعقیب و تعرض ماموران دولتی مصون هستند. اما به طور کلی تا جایی که تاریخ روابط دیپلماتیک نشان می‌دهد، کشورها هیچ گاه تمایل واقعی به قبول مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک نداشته‌اند. اما برآستی منطق وجودی این مصونیت‌ها و مزایا چیست؟ دکتترین حقوق بین‌الملل برای جواب به این سوال نظریات گوناگونی را پدید آورده‌اند که آن‌ها را در ادامه بررسی خواهیم کرد.

• الف: نظریه‌های سنتی

نظریه‌های سنتی شامل سه نظریه امتداد سرزمین (برون مرزی)، وصف نمایندگی و مصلحت خدمت است.

- نظریه امتداد سرزمین (برون مرزی)

برخی از حقوق‌دانان برجسته مانند گروسیوس معتقد هستند که برخورداری ماموران دیپلماتیک از مصونیت‌ها و مزایای آن بر قاعده برون مرزی استوار است. این نظریه این گونه است که ماموران دیپلماتیک در طول مدت ماموریت آنها که کشور خود را ترک نکرده‌اند و در خارج از کشور پذیرنده حضور دارند، وظایف خود را انجام می‌دهند و اماکن ماموریت نیز همین وضع را دارند و جزئی از قلمرو کشور فرستنده به شمار می‌آیند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۲۶) این نظریه یکی از مهم‌ترین مبانی حقوق بین‌الملل نوین، یعنی حاکمیت دولت‌ها بر سرزمین خود در تعارض است و بر اساس این نظریه تملک اموال غیرمنقول نزد دولت پذیرنده تابع این دولت نخواهد بود. (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۸۲) پروفوسور لویی کاواریه، نظریه برون مرزی را تصویری واهی بیش ندانسته و معتقد است که در صورت قبول این نظریه بایستی این قاعده را بپذیریم که تشریفات استرداد برای تحویل مجرم فراری در سفارت که در نظریه قلمرو خارجی تلقی می‌شود، ضروری به نظر می‌رسد، در حالی که عملاً این طور نیست و تنها اجازه ساده ماموریت کافی است.

بنابراین قبول این نظریه و تصمیم آن الزاماً آثار بسیاری دارد که همه غیرقابل پذیرش هستند و مهم‌ترین آنها این است که از جنبه جرائم، که در منزل سفیر یا محل کار او اتفاق می‌افتد، یا متهمی به خانه یا محل کار سفیر پناهنده شود و یا نوزادان تبعه

کشور پذیرنده که در محل سفارت متولد شود. (صدر، ۱۳۹۳: ۶۶). واتل دیپلمات، حقوق‌دان سوئیسی قرن ۱۸ از جمله نویسندگان معروف است که بدون رد کردن قطعی نظریه برون مرزی، در صحت آن به طریقی که دیگران توجیه کرده‌اند، تردید کرده و آن را به نحوی تفسیر کرده است که بعدها سرچشمه پیدایش نظریه‌ای با نام نظریه مصلحت قرار گرفت. نویسندگان دیگری مانند سیسیل هرست به شیوه دیگری نظریه برون مرزی را رد کرده‌اند و به عقیده آن‌ها تکلیف سفیران در احترام به قوانین کشور محل ماموریت، نه ناشی از الزام آن‌ها به اطاعت از قوانین محل، بلکه ناشی از تکلف آنها به احتراز هر عملی است که خلاف منافع کشور پذیرنده باشد.

- **نظریه وصف نمایندگی**^۱: مفهوم این نظریه این است که مزایا و مصونیت‌هایی که به ماموریت‌های دیپلماتیک اعطا می‌شود، ناشی از ویژگی‌های نمایندگی است؛ به اعتبار اینکه نماینده دولت‌های خود هستند و احترام و تکریم آنان، در واقع احترام به دوستی است که از آن نمایندگی می‌کنند. (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۸۹) عهدنامه ۱۹۶۱ و ماده ۳ آن که به موجب آن یکی از وظایف ماموران دیپلماتیک را «نمایندگی کشور فرستنده نزد کشور پذیرنده» عنوان می‌کند، مبتنی بر نظریه نمایندگی است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۱۶) مخالفین نظریه نمایندگی بدون آنکه به بحث علت و دولت نزدیک شوند، می‌گویند که در سازمان حقوقی دولت‌ها، رئیس کشور و جامعه تحت حکومت وی است تا سفیر فرستاده او در کشور خارجی جای او باشد. رئیس کشور، خود نماینده ملتی است که قدرت دولت را به او سپرده است و مجری سیاسی است که برای مصالح ملت طرح شده و رئیس کشور به نوبه خود سفیر را مامور اجرای آن می‌کند و این رویه و عرف حقوق بین‌الملل سنتی نیز وجود داشته است. (صدر، ۱۳۹۳: ۱۲۴)

- **نظریه مصلحت خدمت**^۲: از این نظریه می‌توان این مفهوم را استنباط کرد که مزایا و مصونیت‌ها در روابط دیپلماتیک فقط با ملاحظه مصلحت وظایف محوله و تشویق به انجام دادن کامل آنها، میسر است. برای اینکه ماموران دیپلماتیک بتوانند در کشور محل ماموریت در شرایط خوب و با استقلال کامل انجام وظیفه کنند باید در حد وسیعی از آزادی عمل برخوردار باشند و این بهره‌مندی تنها با برخورداری سفیر از مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک به دست می‌آید. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱) همچنین در این نظریه راه محدود کردن مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک هموار می‌گردد و از این طریق میان نیازهای کشور فرستنده و حقوق کشور پذیرنده موازنه‌ای برقرار می‌شود.

ب: نظریه‌های جدید

دیدگاهها و نظریه‌های جدید و نوین در توجیه اعطا مصونیت‌ها و مزایا به مأموران دیپلماتیک به جمع بین دو نظریه نمایندگی و مصلحت خدمت می‌پردازد. در کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک آمده است که دولت‌های امضاکننده این معاهده «بر این باورند که هدف از مزایا و مصونیت‌های مذکور امتیازدهی به افراد نیست، بلکه مراد تأمین حسن اجرای وظایف و مأموریت‌های دیپلماتیک به عنوان نمایندگان دولت‌ها است» و همچنین در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین آمده است که «هدف از این مزایا و مصونیت‌ها، امتیازدهی به افراد نیست، بلکه مقصود تأمین حسن اجرای وظایف مأموریت‌های کنسولی به نیابت از دولت متبوع است».

از سوی دیگر، انواع مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل معاصر از آنجایی که مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک در کانون توجه حقوق بین‌الملل نمایندگان سیاسی کشورها قرار دارد، به این دلیل است که اعطای اینگونه مصونیت‌ها و مزایا برای حسن انجام دادن وظایف مأموریت‌های دیپلماتیک امری ضروری است. بدون تردید این امر به توسعه روابط صلح آمیز بین دولت‌ها کمک خواهد کرد.

• مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل

اماکن مأموریت دیپلماتیک از زمان افتتاح رسمی خود از مصونیت‌ها و مزایا برخوردار هستند. این رویه در مورد مأموران دیپلماتیک و قواعد حاکم بر آن چنین است:

¹ REPRESENTATIVE CHARACTER

² PUNCTIONAL NECESSITY

۱- اشخاص برخوردار از این حق به مجرد ورود به قلمرو دولت پذیرنده از مصونیت دیپلماتیک بهره‌مند می‌شوند و استفاده از آن حتی از تاریخی است که انتصاب آنها به وزارت خارجه یا هر وزارت‌خانه‌ای مورد توافق دولت مقرر اعلام می‌شود.

۲- تا زمانی که مأمور دیپلماتیک در کشور پذیرنده است و دیپلمات به حساب می‌آید، از مصونیت‌ها و مزایای ویژه خود برخوردار خواهد شد.

۳- در صورتی که مأموریت دیپلماتیک یکی از ماموران خاتمه یابد، مصونیت‌ها و مزایایی وی از لحظه ترک کشور پذیرنده پایان می‌یابد. (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۱۳۴)

از سوی دیگر، مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک گوناگون و بسیار است. برای صریح بیان شدن موضوع می‌توان آنها را به مصونیت‌ها و مزایای مأموریت به عنوان شخص حقوقی و مصونیت‌ها و مزایای ماموران به عنوان اعضای مأموریت تقسیم کرد.

- **مصونیت‌ها و مزایای مأموریت دیپلماتیک:** موارد ارائه شده زیر را می‌توان به عنوان مهم‌ترین مصونیت‌ها و مزایای که به مأموریت اعطا می‌شود، برشمرد:

الف: فراهم نمودن تسهیلات

ماده ۲۵ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین اعلام می‌دارد که دولت پذیرنده کلیه تسهیلات لازم را برای آنکه مأموریت به انجام وظایف خود بپردازد را فراهم سازد. البته میزان تسهیلات و کیفیت آنها را از پیش نمی‌توان تعیین کرد، بلکه به شرایط هر قضیه‌ای بستگی دارد. (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۱۳۷)

ب: مصونیت اماکن و اموال مأموریت

طبق ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، اماکن مأموریت - اعم از سفارت، دفتر نمایندگی و امثال آنها - دارای مصونیت هستند و ماموران کشور پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت حق ورود به این اماکن را ندارند. رویه و عملکرد دولت‌ها در راستای بیشترین حمایت از اماکن مأموریت، هیچ استثنایی حتی در موارد خطر عمومی برای مقامات دولت مقرر قائل نشده است. هر گونه کوتاهی دولت مقرر در اتخاذ تدابیر لازم مسئولیت بین‌المللی این دولت را در پی خواهد داشت. البته نباید از اماکن مأموریت به نحوی استفاده شود که با وظایف مأموریت مندرج در کنوانسیون ۱۹۶۱ و سایر قواعد حقوق بین‌الملل عام و با معاهدات معتبر میان کشور فرستنده و کشور پذیرنده مغایر باشد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱) بند ۳ ماده کنوانسیون ۱۹۲۱ در راستای جزئیات بیان شده سؤالاتی مطرح می‌شود که پاسخ به آنان باعث درک بهتر این بخش می‌گردد.

اولین پرسشی که مطرح است را می‌توان این گونه بیان کرد که آیا دولت پذیرنده می‌تواند مالکیت اماکن مأموریت را در راستای منفعت عمومی صادر کند؟ دو شرط لازم است تا پاسخ مثبت به این سوال دهیم. نخست اینکه چنین کاری یک استثنا است که توسل به آن جز در شرایط غیرعادی مجاز نیست. دیگر آنکه جایگزینی اماکن دیگر غیر از سفارت‌خانه‌های خارجی ممکن نباشد. از سویی باید جبران خسارت فوری نسبت به تصرف مال مزبور به عمل آید. (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۱۴۰) مسئله بعدی که می‌تواند سوال برانگیز باشد این است که اعطای پناهندگی به افراد تا چه حد می‌تواند تحت پوشش مصونیت اماکن مأموریت باشد؟ در بدو امر برای پاسخ به این پرسش باید بگوییم که مأموریت نباید در پوشش مصونیت، اماکن و منازل خود را محل امنی برای حمایت از مجرمان و افراد خطرناک قرار دهد، زیرا این کار با هدف اعطای مصونیت‌ها و مزایا - یعنی حسن انجام وظیفه ناسازگار است.

ج: استفاده از پرچم و علامت دولت فرستنده

ماده ۲۰ کنوانسیون ۱۹۶۱ مقرر می‌دارد: مأمور و رئیس آن حق دارند پرچم و شعار دولت فرستنده را بر فراز اماکن مأموریت از جمله محل اقامت رئیس مأموریت و بر وسایل نقلیه نصب کنند. امروزه استفاده از پرچم و علامت دولت فرستنده اهمیت ویژه‌ای در روابط دیپلماتیک یافته است. هدف از برافراشته شدن پرچم و استفاده از علامت این است که اشیاء مورد استفاده سفارت مشخص باشند و همچنین مقامات دولت مقرر را در حمایت از اماکن و وسایل و در نظر گرفتن احترام‌های لازم کمک خواهد کرد.

د: مصونیت اسناد و بایگانی

در کنوانسیون ۱۹۶۱ و در ماده ۲۴ آن مقرر شده است، به ملاحظه ضرورت حمایت از اسناد و بایگانی مأموریت و مراقبت از سرّی بودن آنها، بایگانی و اسناد مأموریت در هر زمان و مکان از تعرض مصون خواهد بود. از این ماده می‌توان دریافت که مصونیت اسناد و بایگانی امری جدای مصونیت اماکن است و در هر مکانی هر چند خارج از اماکن مأموریت از مصونیت خاص، برخوردار هستند.

ه: آزادی رفت و آمد

در ماده ۲۶ اینگونه آمده است که دولت پذیرنده برای کلیه اعضای مأموریت آزادی رفت و آمد را در قلمرو رفت و آمد تامین خواهد کرد. مشروط بر آنکه قوانین و مقررات مربوط رعایت شوند. (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۱۴۱)

و: آزادی ارتباطات

هیئت‌های دیپلماتیک کشورها در کشور پذیرنده، از آزادی ارتباط به منظوره‌های رسمی برخوردارند و در نتیجه کلیه ارتباطات رسمی آنها مصون از هر گونه تعرض است (ماده ۲۷ بند ۱) و نیز نصب دستگاه‌های فرستنده رادیویی و استفاده از آنها منوط به اجازه کشور پذیرنده است. در مورد مطالبات بیشتر به چنین شکل است که مکاتبات رسمی مأموریت به هر شکل که باشد مصون از تعرض است (ماده ۲۷ بند ۲). این مصونیت شامل کیسه یا محموله دیپلماتیک اشیای مورد استفاده رسمی است که برای ارسال به مقصد می‌توان آن را به پیک دیپلماتیک سپرد. بندهای ۵ و ۶ و ماده ۲۷ نیز به تعریف پیک دیپلماتیک پرداخته است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۷۶)

در ادامه مهم‌ترین مصونیت‌ها و مزایایی که ماموران دیپلماتیک از آن برخوردارند ارائه می‌شود:

- ۱- شخص مامور دیپلماتیک مصونیت دارد، بنابراین توقیف و بازداشت وی ممنوع است. دولت پذیرنده وظیفه دارد با وی رفتاری کاملاً محترمانه که در شأن او است، انجام دهد.
- ۲- محل اقامت شخص مامور دیپلماتیک نیز از مصونیت و حمایت اماکن مأموریت برخوردار است. در مورد اسناد و مکاتبات مامور دیپلماتیک هم، همین قضیه صادق است. البته در ماده ۳۱ مواردی ۳ گانه مطرح شده‌اند که آنها مصونیت دعاوی مدنی و اداری را دارا نیستند. (ابوالوفا، ۱۳۹۳) آن ۳ مورد به شرح زیر است:
 - دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول خصوصی، واقع در قلمرو کشور پذیرنده.
 - دعاوی مربوط به ما ترکی که مامور دیپلماتیک به صورت خصوصی در آن وصی، امین ترکه، وارث و یا موصی له واقع شده باشد.

- دعاوی مربوط به فعالیت‌های تجاری یا حرفه‌ای خصوصی در کشور پذیرنده (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۷۷)

- ۳- مصونیت قضایی: حقوق بین‌الملل نوعی مصونیت قضایی برای ماموران دیپلماتیک در نظر گرفته است. زیرا اگر مامور دیپلماتیک، توقیف، محاکمه و یا بازداشت شود، وظیفه دیپلماتیک در معرض خطر قرار می‌گیرد. این مصونیت‌ها شامل مصونیت کیفری مصونیت از ادای شهادت و مصونیت از اقدامات اجرایی است:

- مصونیت کیفری: هرگاه ماموران دیپلماتیک در کشور پذیرنده مرتکب اعمالی گردند یا از انجام عملی خودداری کنند که طبق قوانین داخل آن کشور جرم محسوب شود، از هرگونه تعقیب، بازداشت، بازجویی، بازپرسی و محاکمه معاف هستند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۷۷)

- مصونیت از ادای شهادت: ماموران دیپلماتیک را در هیچ یک از مراجع قضایی و اداری کشور پذیرنده نمی‌توان به ادای شهادت مجبور کرد (بند ۲ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱) و این اصل مکمل مصونیت قضایی است. اما بدون آنکه اجباری داشته باشند و مخصوصاً برای کمک به عدالت می‌توانند شهادت بدهند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۷۷)

- مصونیت از اقدامات اجرایی: مصونیت قضایی ماموران دیپلماتیک به مصونیت از اقدامات اجرایی نیز تسری می‌یابد، به گونه‌ای که هیچ اقدام یا عمل اجرایی، اعم از اینکه مرتبط با اجرای احکام قضایی باشد یا نباشد، نباید توسط مقامات و ماموران کشور پذیرنده علیه ماموران دیپلماتیک کشور فرستنده صورت گیرد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱)

۳- مامور دیپلماتیک در مورد خدمات انجام شده برای دولت فرستنده از مقررات بیمه‌های اجتماعی که ممکن است در دولت پذیرنده لازم الاجرا باشد، معاف است. ولی مانع از مشارکت اختیاری ماموران در نظام بیمه اجتماعی نخواهد شد. (ابوالوفا، ۱۳۹۳: ۱۴۶)

۴- ماده ۳۴ کنوانسیون ۱۹۶۱: مقرر می‌دارد که از آنجایی که ماموران دیپلماتیک خارجی هیچگونه وابستگی به کشور پذیرنده ندارند، بنابراین نمی‌توان آنان را در زمره مالیات‌دهندگان محسوب نمود. حیثیت و مقامی که برای ماموران دیپلماتیک شناخته شده است، اقتضا دارد که آنان در کشور پذیرنده از پرداخت مالیات و عوارض معاف باشند.

۵- کشور پذیرنده ماموران دیپلماتیک را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی و هر صورتی که باشد و الزامات نظامی از قبیل مصادره، بیگاری و اسکان افراد نظامی معاف خواهد داشت. (ماده ۳۵ کنوانسیون ۱۹۶۱)

۶- طبق ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، وسایل نقلیه ماموریت مصون از بازرسی و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرایی خواهد بود.

۷- اشخاص بهره‌مند از مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک به شرح زیر است:

- پادشاهان و رؤسای جمهور کشورها و همراهان آنان

- قضات و کارمندان دیوان بین‌المللی دادگستری

- کارمندان سازمان‌های بین‌المللی

- نماینده کشورها نزد سازمان‌های بین‌المللی

- ماموران دیپلماتیک

- پیک‌های دیپلماتیک

- کارمندان اداره فنی ماموریت و خانواده آنان به شرط تبعه نبودن در کشور پذیرنده

- خدمه ماموریت (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱)

۴. نتیجه‌گیری

برای تقویت و گسترش روابط میان کشورها، داشتن روابط دیپلماتیک امری ضروری است. اما مهم‌تر از آن، وجود یک قانون بین‌المللی و عام‌الشمول است که بر این روابط حکمفرما باشد و اصول و شیوه‌های رفتار در حقوق دیپلماتیک را معین نماید. بنیاد کار ایجاد روابط دیپلماتیک است. این قانون که توسط خود کشورها و با مشارکت و حمایت سازمان ملل صورت گرفت، سوءاستفاده‌های کشورهای پذیرنده و فرستنده را محدود می‌کند. کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک، قانون جامعی در مورد حقوق دیپلماتیک بین کشورهاست که توسط اعضای این کنوانسیون ایجاد شده است. این کنوانسیون راهکارهای مقابله با سوء استفاده از مصونیت اماکن دیپلماتیک را بیان کرده و مانع سوء استفاده‌های کشورهای خاطی می‌گردد.

کشورها پابرجا هستند و همچنان مشکلات ریز و درشتی در این زمینه پابرجاست. با این حال، این کنوانسیون هنوز بهترین معاهده در تدوین حقوق دیپلماتیک در عرصه حقوق بین‌الملل است. در تحقیق حاضر کوشش کردیم تا ضمن تعریف حقوق دیپلماتیک و نقش دیپلماسی در تدوین حقوق دیپلماتیک، به برخی از مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل اشاره کنیم.

منابع

۱. ابوالوفا، احمد (۱۳۹۳)، حقوق دیپلماتیک اسلامی (رهیافت اسلامی)، ترجمه و تحقیق: مصطفی میرمحمدی، تهران: انتشارات سمت.
۲. اشتریان، کیومرث و جعفری هفتخوانی، نادر (۱۳۸۶)، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و نقش دیپلماسی عمومی در قرائند تصمیم‌گیری، مجله اندیشه مدیریت راهبردی، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۴۰-۱۱۱.
۳. خالوزاده، سعید (۱۳۹۱)، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: انتشارات سمت.

۴. ذوالعین، پرویز (۱۳۹۴)، حقوق دیپلماتیک، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. شفیعی، نوذر، نژاد زندیه، رویا (۱۳۸۹)، تحول مفهوم دیپلماسی. تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی.
۶. صدر، جواد (۱۳۹۳)، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱)، حقوق بین الملل عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۸. مجتهدی، هوشنگ (۱۳۷۶)، مدیریت فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۹. نش، کیت (۱۳۹۱)، جامعه شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه ی محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.

10. Barker, JC. The Protection of Diplomatic Personnel, (Ashgate Publishing Limited, England 2006).
11. Numelin, R. The Beginnings of Diplomacy: A Sociological Study of Intertribal and International Relations, Oxford University Press, London 2001.